



انسان و تفکر

ریز مباحث درس اول

ملاک برتری انسان	منطق چگونه چیزی هست؟
نطق	نتایج استفاده از علم منطق
نسبت تفکر با روح	نسبت ارسطو با منطق
منطق چگونه نیست؟	موضوعات حاشیه‌ای اما مهم
منطق چگونه چیزی هست؟	

ملاک برتری انسان

ملاک برتری انسان به سایر مخلوقات عالم در چیست؟

نظریه اول: ملاک برتری انسان نسبت به سایر مخلوقات «عمل» و «رفتار» انسان‌ها است.
 نظریه دوم: قدرت «تفکر» ملاک برتری است. این ملاک در طول تاریخ، تکرار شده و عمومیت یافته است.
 تا این‌جا فهمیدیم که «تفکر» معیار مناسب‌تری برای بیان تفاوت انسان و حیوان است.

نطق

منظور از نطق چیست؟

در هر کتاب منطقی یا فلسفی تا واژه «نطق» را دیدیم، باید بلافاصله بدانیم که منظور نویسنده از این واژه، «تفکر و تعقل» است.

به طور مثال اگر این جمله را در کتاب درسی دیدیم که نوشته است:

ارسطو بیان گفته‌اند که انسان «حیوان ناطق» است چون: خواسته‌اند جایگاه رفیع اندیشه را در ساختار وجود انسان نشان دهند. به این معنی خواهد بود که انسان، حیوان اندیشمند و متفکر است.

الان شاید یک سؤال به ذهن شما برسد:

رابطه «سخن گفتن» با مفهوم منطقی و فلسفی «نطق» چیست؟ ما که نطق را در معنای سخن گفتن به کار می‌بریم در حالی که الان در معنی تفکر به کار می‌بریم. آیا رابطه‌ای ندارند یا رابطه‌ای دارند؟

ابتدا می‌گوییم که یکی از سؤال‌های خوبی که از این درس می‌توان طراحی کرد مانور طراح سؤال بر همین تفاوت است:

«تفکر و تعقل در سخن گفتن تجلی می‌کند.»

معنای این جمله را با دقت کشف کنید:

«ما می‌اندیشیم» و در این حالت به ما گفته می‌شود **انسان ناطق!** حال اندیشه‌مان را بر زبان می‌آوریم در این صورت تفکر و اندیشه‌مان در سخن گفتن **متجلی** شده است.»

الان باید سه سؤال را بتوانید جواب دهید:

۱. منظور از نطق چیست؟

۲. نطق و سخن گفتن را مقایسه کنید؟

۳. چه کسانی به انسان، حیوان ناطق گفته‌اند و منظورشان از بیان این موضوع چه بود؟

اگر به این سه سؤال جواب دادید بروید ادامه بحث را بخوانید. (پاسخ هر سه سؤال در پاراگراف‌های بالا موجود است.)

نسبت تفکر با روح

دوستان لطفاً به این سؤال ابتدا دقت کرده و سپس پاسخ دهید: «کدام بخش از وجود ما اگر نبود، تفکر نیز صورت نمی‌پذیرفت؟»

اگر این سؤال در کتاب روان‌شناسی شما طرح می‌شد شما پاسخ می‌دادید، **مغز انسان!**

اگر این سؤال در منطق پرسیده شود پاسخ خواهد بود: **روح انسان!**

این چند نکته زیر را نیز به خاطر بسپارید:

- «تفکر» مهم‌ترین فعالیت «روح» انسان است.
- چه بخواهیم و چه نخواهیم موجودی متفکر هستیم.
- پس: فکر کردن فرایند طبیعی و خودبه‌خودی است.
- ذهن انسان با اندیشه کردن زنده است و کاری جز تفکر ندارد.
- تفکر ضوابطی دارد که ذهن، به طور طبیعی آن را رعایت می‌کند.

یک موضوع مهم را بگوییم و بروم سر تیتیر بعدی. ما تفکر کردن یا اندیشیدن را یاد نمی‌گیریم، بلکه آن را در درون خود داریم و منطق، «روش‌های درست اندیشیدن» را به ما نشان می‌دهد.

منطق چگونه چیزی نیست؟

منظور من از تیتیر فوق این است که در مورد منطق چه جملاتی را نمی‌توان بیان کرد و به زبان دیگر، آن چه در مورد منطق صدق نمی‌کند، کدام است:

۱. منطق، برنامه‌ای نیست که یک دانشمند، بسازد.
۲. منطق، ابداع کننده ندارد.
۳. منطق، طراح و سازنده ندارد.

منطق چگونه چیزی هست؟

الان وقت این است که بگوییم منطق چگونه چیزی هست؟ و به زبان دیگر:

- آن چه در مورد منطق صدق می‌کند کدام است:
۱. منطق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد.
 ۲. منطق قواعد حاکم بر تفکر است.
 ۳. منطق، دانشی است که طرز کار «ذهن» را در عمل «تفکر» تشریح می‌کند.
 ۴. دانش منطق بهره‌برداری بهتر از فرایند طبیعی تفکر است.



در صورتی که از علم منطق استفاده کنیم به چه نتایجی می‌رسیم؟

- چهار مورد را از کتاب درسی برای شما پیدا کردم:
۱. کشف کردن ضوابطی که ذهن دارد.
 ۲. نشان دادن کاربرد آن ضوابط در تفکر.
 ۳. کشف کردن عواملی که باعث تسریع و بهبود تفکر می‌شود.
 ۴. کشف کردن عواملی که باعث کندی و نارسایی تفکر می‌شود.

نتیج استفاده از علم منطق

نسبت ارسطو با منطق

در کتاب درسی چند سال پیش ارسطو را مبدع منطق می‌دانستند اما در این کتاب فعلی ارسطو به عنوان کشف مطرح شده است و به همین دلیل در امتحان‌های تشریحی و تستی از این بخش به طور معمول سؤال طراحی شده است و هم‌چنان باز طرح سؤال خواهد شد:

- ارسطو «کشف» و «تدوین کننده» منطق است.
- ارسطو «نشان دهنده» چگونگی فعالیت ذهن و اشتباهات آن» است.
- ارسطو «روش جبران برخی از اشتباهات ذهن را در جریان تفکر» نشان می‌دهد.

موضوعات حاشیایی مهم

۱. «روح» و «جسم» هر دو بر اساس قوانین خاص فعالیت می‌کنند.
۲. فعالیت‌های «روح» و «جسم» هر دو هدف‌دار و قانونمند است.
۳. ارسطو:

- فیلسوف یونانی در سده چهارم قبل از میلاد است
- معلم اول نامیده می‌شود.
- در تاریخ فلسفه به کسانی که مبانی اصلی فلسفه ارسطو را پذیرفته‌اند، ارسطوئیان می‌گویند.

واژگان کلیدی:

- واژگان کلیدی نتایج استفاده از منطق:
۱. کشف ضوابط ذهن
 ۲. کاربرد ضوابط در تفکر
 ۳. تسریع و بهبود تفکر
 ۴. جلوگیری از کندی و نارسایی تفکر



خودتان را جای طراح سؤال بگذارید

تفکر، سخن گفتن، روح، ذات، ذهن
بباید همین‌ها مقایسه کنیم که این ۵ واژه چه تفاوت‌های با هم دارند یا چه سؤالی بیاورد که جوابی بدهیم؟

۱. نطق به چه معنایی است؟ تفکر
 ۲. رابطه سخن گفتن و تفکر، تفکر در سخن گفتن تبلی می‌کند
 ۳. رابطه روح و تفکر، «تفکر» مهم‌ترین فعالیت «روح» انسان است.
 ۴. منطق از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ «ذات انسان»
 ۵. رابطه ذهن و تفکر و منطق، منطق، دانشی است که طرز کار «ذهن» را در عمل «تفکر» تشریح می‌کند.
- دوست عزیز! یادت باشد که طراح سؤال می‌تواند گزینه‌های غلط را دقیقاً از این واژه‌ها برای هر کدام استفاده کند. به طور مثال در مورد شماره چهار گزینه غلط را روح بگذارد و اگر ما تفاوت روح و ذات را برای خودمان در سؤال‌های فوق درونی نگردیم باشیم احتمال غلط جواب دادن ما بیش‌تر می‌شود.

پرسش‌های کنکور و تکمیلی

۱. به ترتیب بگویید «کدام ملاک از میان ملاک‌های برتری انسان نسبت به سایر مخلوقات دارای عمومیت بیش‌تری است» و کدام ملاک «در طول تاریخ تکرار شده است»؟
کتاب‌های ترکیبی ۱) تفکر - عمل ۲) عمل - عمل ۳) تفکر - تفکر ۴) عمل - رفتار
۲. این که ارسطو بیان گفته‌اند «انسان حیوان ناطق است» خواسته‌اند
کتاب‌های ۱) تفاوت میان انسان و حیوان را به لحاظ منطقی نشان دهند. ۲) تعریف جامعی از انسان ارائه کنند. ۳) جایگاه رفیع اندیشه را در ساختار وجود انسان نشان دهند. ۴) اندیشه منطقی را گسترش دهند.
۳. کدام یک از گزینه‌های زیر رابطه تفکر و تعقل با سخن گفتن را به درستی بیان می‌کند؟
کتاب‌های - مفهومی ۱) تفکر عملی است که در ذهن شکل می‌گیرد ولی سخن گفتن عملی است که جسم انجام می‌دهد. ۲) تفکر مهم‌ترین فعالیت روح انسان است و سخن گفتن مهم‌ترین فعالیت جسم انسان است. ۳) تفکر فرایندی طبیعی و خودبه‌خودی است که در سخن گفتن متجلی می‌شود. ۴) تفکر کارکرد آگاهانه ذهن است که در سخن گفتن متجلی می‌شود.
۴. کدام یک از گزینه‌های زیر نسبت تفکر را با روح به درستی بیان می‌کند؟
مفهومی ۱) تفکر مهم‌ترین فعالیت روح انسان است و دارای ضوابطی است که ذهن به شکل آگاهانه آن‌ها را از محیط کسب می‌کند. ۲) تفکر مهم‌ترین فعالیت روح انسان متعالی است و انسان برای به دست آوردن این توانایی نیاز به اصول منطقی دارد. ۳) تفکر فرایندی طبیعی و خودبه‌خودی است و انسان برای به دست آوردن این توانایی نیاز به اصول منطقی دارد. ۴) تفکر فرایندی طبیعی و خودبه‌خودی است و دارای ضوابطی است که ذهن به طور طبیعی آن را رعایت می‌کند.
۵. تفکر از فعالیت کدام بخش از وجود انسان ناشی می‌شود و چگونه فرایندی دارد؟
مفهومی ۱) روح - طبیعی ۲) ذهن - طبیعی ۳) عقل - اکتسابی ۴) مغز - اکتسابی
۶. به ترتیب بگویید که ذهن انسان با کدام مورد زنده می‌ماند و ارسطو بیان به چه دلیلی انسان را حیوان ناطق نامیده‌اند؟
ملاحظات - ترکیبی ۱) اندیشه کردن - خواسته‌اند جایگاه رفیع اندیشه را در ساختار وجود انسان نشان دهند. ۲) تفکر کردن - خواسته‌اند جایگاه رفیع تفکر را در ساختار هستی نشان دهند. ۳) اندیشه کردن - خواسته‌اند جایگاه رفیع اندیشه را در ساختار خلقت نشان دهند. ۴) تفکر کردن - خواسته‌اند جایگاه رفیع تفکر را در ساختار موجودات نشان دهند.
۷. منظور از «نطق» در کتاب‌های منطقی و فلسفی چیست؟
ملاحظات ۱) همان تفکر و تعقل است که خود را در رفتار و عمل انسان نشان می‌دهد. ۲) همان گویا بودن انسان است که در سخن گفتن تجلی می‌کند. ۳) همان گویا بودن انسان است که خود را در رفتار و عمل انسان نشان می‌دهد. ۴) همان تفکر و تعقل است که در سخن گفتن تجلی می‌کند.
۸. هرگاه از نطق در کتاب‌های منطقی و فلسفی یاد می‌کنیم منظور نیست؛ بلکه مقصود است که در تجلی می‌کند و خود را نشان می‌دهد؟
ترکیبی ۱) سخن گفتن - عمل آگاهانه - رفتار انسان ۲) سخن گفتن - تفکر و تعقل - سخن گفتن ۳) تفکر و تعقل - سخن گفتن - تفکر و تعقل ۴) تفکر و تعقل - عمل آگاهانه - رفتار انسان
۹. اساس اندیشیدن است و نقش دانش منطقی بهره‌برداری بهتر از فرایند اندیشیدن است.
مفهومی ۱) غیرارادی - طبیعی ۲) ارادی - طبیعی ۳) غیرارادی - آگاهانه ۴) ارادی - آگاهانه
۱۰. منطقی برنامه‌ای که یک دانشمند می‌سازد، منطقی ابداع کننده و منطقی از سرچشمه می‌گیرد.
کتاب‌های - ملاحظات ۱) نیست - ندارد - ذات انسان ۲) نیست - دارد - ذات انسان ۳) است - ندارد - روح انسان ۴) است - ندارد - روح انسان
۱۱. منطقی از انسان سرچشمه می‌گیرد و طرز کار را در تشریح می‌کند.
کتاب‌های ۱) ذات - ذهن - عمل تفکر ۲) عقل - ذهن - استدلال ۳) ذات - روح - عمل تفکر ۴) عقل - روح - استدلال
۱۲. عبارت «منطقی از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد» به چه معنایی است؟
کتاب‌های ۱) از خطاهای منطقی گریزی نیست. ۲) دانش و علم انسان قادر به شناخت آن نیست. ۳) اراده انسانی در توجه به آن نقشی ندارد. ۴) دانش و علم انسان در ایجاد آن نقشی ندارد.

۱۳. به ترتیب بگویید کدام یک از جملات زیر صحیح یا غلط هستند. «منطق طراح ندارد ولی سازنده دارد»، «منطق کشف کننده ندارد ولی طراح دارد»، «منطق دانشی است که طرز کار ذهن را در عمل تفکر می‌سازد»، «منطق بهره‌برداری بهتر از فرایند طبیعی تفکر است»
- ۱ صحیح - صحیح - غلط - غلط
۲ غلط - غلط - غلط - صحیح
۳ غلط - غلط - غلط - صحیح
۴ صحیح - صحیح - غلط - صحیح
۱۴. کدام یک از گزینه‌های زیر از نتایج استفاده از دانش منطق نیست؟
- ۱ به دست دادن قواعدی برای ضوابط ذهن
۲ نشان دادن کاربرد ضوابط تفکر در ذهن
۳ کشف کردن عواملی که باعث تسریع و بهبود تفکر می‌شود.
۴ کشف کردن عواملی که باعث کندی و نارسایی تفکر می‌شود.
۱۵. عبارت درست در مورد علم منطق کدام است؟
- ۱ به کمک آن می‌توانیم، انسان متفکر باشیم.
۲ نسبت منطق به ذهن انسان، شبیه نسبت ضربان به قلب است.
۳ کشف ضوابط آن ممکن نیست اما اختراع آن ممکن است.
۴ سرعت و دقت استفاده از قواعد حاکم بر ذهن را افزایش می‌دهد.
۱۶. کدام تعریف، برازنده «علم منطق» است؟
- ۱ معیاری مقابله حق و باطل است تا با شناساندن معیارهای حق، باطل هم شناخته شود.
۲ وسیله مقابله مفاهیم و مصادیق است تا به کمک حجت و استدلال، راه تفکر درست را بیاموزد.
۳ معیار سنجش حق و باطل است تا به کمک تصورات و تصدیقات معلوم، ذهن را از خطا باز دارد.
۴ وسیله سنجش مفاهیم و مصادیق است تا معلومات را وسیله کشف مجهولات قرار دهد و راه تفکر درست را بیاموزد.
۱۷. ارسطو، مبدع علم منطق و انسان منطقی قوانین و ضوابط منطق است و آن‌جا که هدف انسان درک چستی یک مفهوم باشد، دست به دامان می‌شود.
- ۱ است - کشف - تعریف
۲ نیست - مدون - استدلال
۳ نیست - مدون - استدلال
۴ است - کشف - تعریف
۱۸. اساس تفکر در انسان، ارادی و حیات انسان به است و وظیفه «علم منطق» می‌باشد.
- ۱ نیست - اندیشیدن - آشنایی انسان با طرز کار ذهن
۲ است - اندیشیدن - آشنایی انسان با طرز کار ذهن
۳ است - نطق - به دست دادن قوانین و ضوابط درست اندیشیدن
۴ نیست - نطق - به دست دادن قوانین و ضوابط درست اندیشیدن
۱۹. کدام یک از گزینه‌های زیر نسبت ارسطو را به منطق صحیح بیان نکرده است؟
- ۱ ارسطو، کاشف منطق است و ابداع کننده آن نیست.
۲ ارسطو، تدوین کننده منطق است و سازنده آن نیست.
۳ ارسطو، نشان‌دهنده چگونگی فعالیت ذهن و اشتباهات آن است.
۴ ارسطو، روش جبران کل اشتباهات ذهن را در تفکر نشان می‌دهد.
۲۰. در مورد «روح» و «جسم» کدام گزینه صحیح نیست؟
- ۱ فعالیت‌های هر دو هدف‌دار است.
۲ «روح» و «جسم» براساس قوانین متفاوت فعالیت می‌کنند.
۳ «روح» همراه با هدف متعالی ولی «جسم» با هدف غیر متعالی است.
۴ فعالیت‌های هر دو قانونمند است.
۲۱. ارسطو فیلسوف بزرگ یونان در سده است که وی را نیز می‌نامند و در تاریخ فلسفه به کسانی که مبانی اصلی او را پذیرفته‌اند، می‌گویند.
- ۱ چهارم قبل از میلاد - معلم ثانی - منطق - ارسطوئیان
۲ چهارم قبل از میلاد - معلم اول - فلسفه - ارسطوئیان
۳ چهارم بعد از میلاد - معلم ثانی - منطق - سوفسطائیان
۴ چهارم بعد از میلاد - معلم اول - فلسفه - سوفسطائیان
۲۲. تعریف ارسطوئیان در کدام گزینه، درست‌تر آمده است؟
- ۱ مبانی فلسفی ارسطو معتقدند را قبول دارند.
۲ آنها معیار دسته‌بندی امور را از ارسطو وام گرفته‌اند.
۳ آنها امتیاز انسان را، سخنگو بودن آن می‌دانند.
۴ آنها امتیاز انسان را، متفکر بودن آن می‌دانند.

چگونه تعریف کنیم؟

ریز مباحث درس دوم

رابطه‌ی انتخاب، اراده و فکر کردن	دو مقایسه
مقصد تفکر	موضوع و هدف علم منطق
تقسیم‌بندی علم و ادراک	رابطه‌ی علم منطق و تعریف
تصور و تصدیق	موضوعات حاشیه‌ای اما مهم
تعریف	

رابطه انتخاب، اراده و فکر کردن

لطفاً با پر کردن جای خالی از کلمات داخل پرانتز برخی از مطالب درس قبل را دوره کنید:
فکر کردن ذاتی انسان ... (است یا نیست) و ... (می‌توان یا نمی‌توان) به کمک اراده، اندیشیدن یا نیاندیشیدن را ... (انتخاب یا اجبار) کرد.

پاسخ خودتان را با جمله زیر مقایسه کنید و امیدوارم همه را درست گفته باشید:

فکر کردن ذاتی انسان است و نمی‌توان به کمک اراده، اندیشیدن یا نیاندیشیدن را انتخاب کرد.

خوب! اگر جمله فوق را قبول کنیم در این صورت آیا انتخابی داریم و اگر داریم آن چه ما می‌توانیم انتخاب کنیم چه مواردی است؟

پاسخ این است که در دو مورد زیر حق انتخاب داریم:

۱. موضوعات تفکر را می‌توانیم انتخاب کنیم.

۲. با اراده خود می‌توانیم تفکر خود را سلمان دهیم تا کم‌تر دچار اشتباه شویم.

مقصد تفکر

تفکر برای رسیدن به چیست؟

۱. تفکر برای رسیدن به «دانش» و «شناخت» است. ۲. تفکر برای «توسعه علم» است.

تقسیم‌بندی علم و ادراک

رسیدیم به یکی از مهم‌ترین بخش‌های کتاب منطق که همیشه یا سؤال مستقیم از آن طرح می‌شود و یا سؤال غیر مستقیم. با دقت بخوانید و تمام تمرین‌هایی که مرحله به مرحله رفته‌ام، یاد بگیرید. اولین کارمان این است که موضوع زیر را درک کنیم:

علم و ادراک به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: ۱. تصور ۲. تصدیق

حال تصور چیست؟ و تصدیق چیست؟ لطفاً دقت کنید که تصور با تصدیق چه تفاوت‌های دارد.

تصور و تصدیق

در کتاب درسی برای تصور تعریفی ارائه نکرده است و در واقع آن را توضیح داده است. انگار به طور عملی نویسنده کتاب درسی از ما خواسته است برای درک تصور بگوییم که: هر چیزی تصدیق نباشد، پس تصور خواهد بود. می‌خواهم با روش بسیار ساده این موضوع را به شما یاد بدهم:

من می‌گویم: «درخت». این یعنی تصور. حالا می‌گویم «سبز». سبز هم تصور است. حالا می‌گویم: «درخت سبز است». این یعنی تصدیق. چرا که بین دو تصور «درخت» و «سبز» ارتباط و نسبتی برقرار کرده‌ام. در تمامی تصدیق‌ها حتماً قضاوت و حکمی صادر شده است. در این مثال شما می‌توانید بگویید که این درخت سبز نیست مثلاً قهوه‌ای است چرا که گوینده قضاوتی کرده است و شما می‌توانید قضاوت وی را قبول یا نفی کنید ولی اگر شما همین طوری کلمه درخت را بشنوید، اگر بشناسید؛ آن را در ذهنتان تصویر می‌کنید ولی به هر حال قضاوت نمی‌کنید.

یک مرحله بالاتر برویم: من می‌گویم: «درخت سبز». این هنوز اشاره به تصور دارد نه تصدیق. چون میان درخت و سبز نسبتی برقرار نکرده‌ام. پس تا الان متوجه شده‌اید که اگر بگوییم «درخت سبز خیابان سعدی» باز هم با تصور سر و کار داریم.